



## بررسی رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی و تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت

نجمه حاجیان<sup>۱</sup>

نرگس علی اکبریان<sup>۲</sup>

### چکیده

اطلاعات حسابداری در زمینه وضعیت مالی و عملکرد مالی شرکت‌ها نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارد. هر قدر این اطلاعات با کیفیت‌تر باشند، تصمیمات بهتری گرفته می‌شوند. تصمیم‌گیری صحیح نیازمند اطلاعاتی است که بیانگر واقعیت و منطبق بر وضع موجود باشند. یک راه بالا بردن کیفیت اطلاعات و تطبیق آن با واقعیت، تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌ها است. با توجه به قانون اخیر معافیت مالیاتی تجدید ارزیابی در ایران و استقبال شرکت‌ها، تلاش شد تا دلایل تجدید ارزیابی مدیران بررسی شود. هدف این مطالعه بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت است. فرضیه‌ها با انتخاب یک نمونه متشکل از ۱۱۳ شرکت (۶۷۸ سال-شرکت) در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ آزمون شده است. نتایج بیانگر آنست که بین دوگانگی مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره و تجدید ارزیابی (در سطح احتمال ۹۰ درصد) رابطه منفی معناداری وجود دارد. بین دیگر متغیرهای حاکمیت شرکتی از قبیل تمرکز مالکیت، استقلال هیئت‌مدیره، کیفیت حسابرسی، درصد سهام شناور آزاد و رتبه‌بندی کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد در سطح احتمال ۹۹ درصد بین متغیر زیان انباشته و تجدید ارزیابی دارایی‌ها رابطه‌ای مثبت و معنادار برقرار است.

واژه‌های کلیدی: تجدید ارزیابی، حاکمیت شرکتی، دارایی‌های ثابت

JEL: G3, M41

<sup>۱</sup> استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و امورمالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. n.hajian@khatam.ac.ir

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد حسابداری مدیریت، دانشکده مدیریت و امورمالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

n.aliakbarian@khatam.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۸

## مقدمه

تشکیل شرکت‌های بزرگ و به‌دنبال آن، مسائل مربوط به تفکیک مالکیت از مدیریت و پیامدهای خوشایند و ناخوشایند آن در اواخر سده نوزدهم و اوایل دهه بیستم در سطح جهانی مطرح شد، اما موضوع حاکمیت شرکتی به‌شکل کنونی، ابتدا در دهه ۱۹۹۰ در انگلستان، آمریکا و کانادا و در پاسخ به مشکلات مربوط به کارایی هیئت‌مدیره شرکت‌های بزرگ مطرح شد. جدایی مالکیت از مدیریت منجر به تضاد منافع گردیده است. بروز چنین تضادهایی می‌توانست منجر به ارائه نادرست صورت‌های مالی و کاهش کیفیت گزارشگری مالی شود. برای حل تضاد منافع، سازوکارهای حاکمیت شرکتی مطرح شدند. (حساس یگانه و خیرالهی، ۱۳۸۷). بیشتر سرمایه‌گذاران و تدوین‌کنندگان قوانین اعتقاد دارند برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (مانند وجود اعضای غیرموظف و مستقل در ترکیب هیئت‌مدیره) به حفظ منافع سهامداران کمک نموده و هرگونه تضاد منافع بین آن‌ها و مدیریت را کاهش می‌دهند (موسوی، جباری، طالب بیدختی، ۱۳۹۴). در نتیجه مجموعه سازوکار نظارتی برای نظارت و کنترل اختیارات مدیران شکل گرفت. بنابراین نیاز به مدلی برای ارزیابی حاکمیت شرکتی در بازارهای سرمایه به‌وجود آمد تا سهامداران از آن به‌عنوان یکی از عوامل تصمیم‌گیری در تصمیمات سرمایه‌گذاری استفاده کنند و زمینه تحقق آن از طریق اتخاذ تصمیمات بهینه توسط هیئت‌های اجرایی و تدوین قوانین و مقررات لازم‌الاجرا فراهم می‌شود. ادبیات موجود بیان می‌کند که سازوکارهای حاکمیت به‌طور با اهمیتی، رویه‌های حسابداری شرکت و تصمیمات حساب‌رسان و کیفیت اطلاعات حسابداری را تحت تأثیر قرار می‌دهند (زویا و ژو، ۲۰۰۹).

اطلاعات صورت‌های مالی که بیانگر وضعیت مالی و عملکرد مالی شرکت‌ها در طول دوره مالی است نقش مهمی در بهبود تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارد. هر قدر این اطلاعات با کیفیت‌تر باشند، تصمیمات بهتری توسط سرمایه‌گذاران گرفته می‌شود. از طرفی تصمیم‌گیری صحیح نیازمند اطلاعاتی است که بیانگر واقعیت و منطبق بر وضع موجود باشند. کاهش قدرت خرید پول کشورها در طول زمان و تغییرات عمده در قیمت‌های نسبی کالا و خدمات، موجب می‌شود که اطلاعات مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی دارایی‌های ثابت گزارش شده در صورت‌های مالی، از ارزش‌های جاری به‌عنوان بیان‌کننده واقعیت‌های اقتصادی، به‌شدت فاصله بگیرند. برای حل این مسئله، انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری در بسیاری از کشورها مثل آمریکا، کانادا و انگلستان، راهکارهایی را برای بهبود گزارش‌های مالی ارائه کرده‌اند (رحمانی و حمیدی، ۱۳۸۵). یک راه بهبود گزارش‌های مالی و کیفیت اطلاعات، تجدید ارزیابی است که می‌تواند به‌عنوان یک رویه حسابداری در ایران استفاده شود. ارزیابی پس از

شناخت دارایی ثابت، چنانچه ارزش منصفانه به‌گونه‌ای اتکاپذیر قابل اندازه‌گیری باشد، باید آن را به مبلغ تجدید ارزیابی یعنی ارزش منصفانه در تاریخ تجدید ارزیابی پس از کسر استهلاک انباشته و کاهش ارزش انباشته بعد از تجدید ارزیابی ارائه کرد (استاندارد حسابداری شماره ۱۱، بند ۲۹).

با توجه به اینکه طبق استاندارد تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت اختیاری است، چه عواملی می‌تواند باعث استفاده یا عدم استفاده از این امر شود. تعدادی از مطالعات خارجی از عوامل مرتبط با تجدید ارزیابی تشکیل شده‌اند. براون، ایزان و لوه<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) به بررسی رابطه بین تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت و انگیزه‌های مدیریتی پرداختند. آن‌ها تلاش کردند که توضیح دهند چرا شرکت‌های استرالیایی دارایی‌های ثابت خود را با وجود هزینه‌بر بودن، تجدید ارزیابی می‌کنند و دریافتند که تجدید ارزیابی به کاهش مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی کمک می‌کند. کاتر و زیمر<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) به نتایج مشابهی دست یافتند. گائرمینک و ورگلرز<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) طبق نتایج تجربی در بلژیک تأیید کردند که شرکت‌های موفق احتمال کمتری دارد تجدید ارزیابی انجام دهند. آباتریدیس و کیلیرجایتس<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) انگیزه‌های تجدید ارزیابی دارایی ثابت را بررسی کردند و دریافتند که اندازه شرکت با تجدید ارزیابی دارایی ثابت رابطه مستقیم دارد و شرکت‌هایی که عملیات خارجی، دارایی ثابت کم و سرمایه به بدهی بالا دارند بیشتر تمایل به انجام تجدید ارزیابی دارایی ثابت دارند. همچنین ثابت کردند که تجدید ارزیابی رابطه منفی با مدیریت سود دارد.

با توجه به قوانین مالیاتی و تجدید ارزیابی تعداد محدودی از شرکت‌ها، تحقیقات کمی نیز در این زمینه انجام شده است و بیشتر مبانی نظری در زمینه تجدید ارزیابی مورد مطالعه قرار گرفته است. در اجرای مقررات مالیاتی در ایران، افزایش بهای دارایی‌های تجدید ارزیابی شده، جزء درآمد، تشخیص و مشمول مالیات بوده است. به‌همین دلیل شرکت‌ها از تجدید ارزیابی استقبال نمی‌کردند تا اینکه در سال ۱۳۹۲ معاون سازمان امور مالیاتی در بخشنامه‌ای براساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۷ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی ابلاغ کرد: افزایش سرمایه بنگاه‌های تولیدی با تجدید ارزیابی دارایی‌ها تا سال ۹۶ از شمول مالیات معاف است. طبق این ماده بنگاه‌های اقتصادی که طی پنج سال اخیر اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های خود نموده‌اند، در صورتی که با رعایت مقررات قانونی و مفاد این آئین‌نامه، دارایی‌های خود را از تاریخ ۲۵ شهریور ۹۱ تا ۲۴ شهریور ۹۶ تجدید ارزیابی نموده و مازاد حاصل از آن را به حساب سرمایه منظور نمایند، از شمول مالیات معاف خواهند بود. با توجه به

<sup>1</sup> Brown, Izan & Loh

<sup>2</sup> Cotter & Zimmer

<sup>3</sup> Gaeremynck & Veugelers

<sup>4</sup> Iatridis & Kilirgiotis

این امر در سال‌های اخیر تجدید ارزیابی در شرکت‌ها افزایش یافته است. در این پژوهش، این هدف اصلی دنبال می‌شود که رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی به‌عنوان مجموعه‌ای از مکانیزم‌های کنترلی را با تجدید ارزیابی بیابیم. این مکانیزم‌ها به‌طور خاص برای نظارت و تصویب تصمیمات مدیریتی و برای اطمینان از عملکرد کارآمد شرکت برای سهامداران آن طراحی شده است. در ادامه مقاله مروری بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه حاکمیت شرکتی و تجدید ارزیابی خواهیم داشت. در بخش سوم نیز ضمن توضیحاتی راجع به قلمرو زمانی و مکانی داده‌های جمع‌آوری شده و مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌ها به خلاصه‌ای از آمار توصیفی می‌پردازیم. در بخش یافته‌های پژوهش، تجزیه و تحلیل فرضیات آزمون شده بیان شده است. در بخش پنجم نیز خلاصه‌ای از نتایج به‌دست آمده از پژوهش و پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی ارائه می‌گردد.

## مبانی نظری پژوهش

### تجدید ارزیابی

تجدید ارزیابی دارایی اشاره به تعدیل ارزش دفتری دارایی برای نزدیک کردن به ارزش فعلی دارد. تجدید ارزیابی شامل یک ثبت حسابداری است که به تنهایی اثر مستقیم قابل توجهی بر جریان نقدی شرکت ندارد، به استثنای هزینه انجام و ثبت تجدید ارزیابی (براون و ایزان و لوو، ۱۹۹۲). در ایران نیز واحد تجاری می‌تواند تجدید ارزیابی را به‌عنوان رویه حسابداری خود انتخاب کند. در روش تجدید ارزیابی پس از شناخت دارایی ثابت، چنانچه ارزش منصفانه به‌گونه‌ای اتکاپذیر قابل اندازه‌گیری باشد، باید آن را به مبلغ تجدید ارزیابی یعنی ارزش منصفانه در تاریخ تجدید ارزیابی پس از کسر استهلاک انباشته و کاهش ارزش انباشته بعد از تجدید ارزیابی ارائه کرد (مرفوع، مؤمن‌زاده و مؤمن‌زاده، ۱۳۹۲). توجه به ساختار یا بافت مالی هر واحد اقتصادی یکی از اهداف اولیه اقتصادهای موفق است و این موفقیت در شرایطی حاصل می‌شود که ارزش و مبلغ دارایی واقعی باشد. یکی از راه‌های مربوط نمودن اطلاعات حسابداری، بازنگری در بهای تمام شده دارایی‌های ثابت می‌باشد که در واژگان حسابداری با عنوان تجدید ارزیابی دارایی‌ها نامبرده می‌شود (اقبال و یعقوبی، ۱۳۹۲). در ایران مازاد تجدید ارزیابی به‌عنوان یک درآمد غیرعملیاتی تحقق نیافته در سرفصل حقوق صاحبان سرمایه منعکس می‌گردد. از آنجا که مازاد مزبور درآمد تحقق نیافته است، لذا افزایش سرمایه به‌طور مستقیم، از محل آن مجاز نیست، مگر در مواردی که به موجب قانون تجویز شده باشد. در مواردی که مازاد تجدید ارزیابی به موازات استفاده از دارایی توسط واحد تجاری به حساب سود (زیان) انباشته منظور

می‌شود، مبلغ مزاد قابل انتقال معادل تفاوت بین استهلاک مبتنی بر مبلغ تجدید ارزیابی دارایی و استهلاک مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی آن است.

اولین تجدید ارزیابی صورت گرفته در ایران مربوط به شبکه بانکی کشور بود که با هدف افزایش سرمایه در بانک‌های قدیمی و ملی انجام شد. تجربه بعدی در تجدید ارزیابی دارایی‌ها مربوط به شرکت‌های وابسته به وزارت نیرو مانند شرکت‌های آب و برق منطقه‌ای، سازمان آب و برق خوزستان، سازمان توانیر و مهندسی آب و فاضلاب کشور بر می‌گردد. در سالهای اخیر با تصویب جزء ب بند ۷۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور، همچنین بند ۳۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۱، بند ۴۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و ماده ۱۷ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات، افزایش سرمایه بنگاه‌های اقتصادی، ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌های آن‌ها از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ از شمول مالیات معاف گردید، مشروط بر آن که متعاقب آن به نسبت استهلاک دارایی مربوطه و یا در زمان فروش، مبنای محاسبه مالیات اصلاح گردد و بنگاه اقتصادی طی پنج سال آخر تجدید ارزیابی نشده باشد. از این‌رو بنگاه‌های اقتصادی از جمله شرکت‌های ثبت شده و مشمول ثبت نزد سازمان بورس و اوراق بهادار مجاز گردیدند که از محل مزاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها با رعایت شرایط و ضوابط مربوطه و اخذ مجوزهای لازم اقدام به افزایش سرمایه نمایند و از معافیت مالیاتی یاد شده استفاده کنند. مطالعات نشان می‌دهد که شرکت‌های با اهرم بالاتر احتمال بیشتری دارند که دارایی‌ها را تجدید ارزیابی کنند. به‌علاوه، کاهش ظرفیت استقراری، شرکت‌ها را تشویق می‌کند تا دارایی‌ها را تجدید ارزیابی کنند (سندا والی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵).

### حاکمیت شرکتی

ظهور انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم، آغازی برای تشکیل شرکت‌های سهامی با مسئولیت محدود و مشارکت در مالکیت این شرکت‌ها را برای عموم میسر ساخت. سیستم بازار طوری سازماندهی گردید که مالکان شرکت‌ها، اداره شرکت را به مدیران تفویض کردند. موضوع حاکمیت شرکتی از اوایل دهه ۱۹۹۰ در انگلستان، کانادا و آمریکا در پاسخ به مشکلات ناشی از فقدان اثربخشی هیئت‌مدیره شرکت‌های بزرگ دنیا مطرح گردید (واعظ، کرراهی‌مقدم والهائی، ۱۳۸۹). مبنای اولیه حاکمیت شرکتی با تهیه گزارش کادبری در انگلستان، گزارش دی<sup>۲</sup> در کانادا و مقررات هیئت‌مدیره در جنرال موتورز آمریکا

<sup>۱</sup> Senda Wali

<sup>۲</sup> Dey

شکل گرفت، که بیشتر به موضوع راهبری شرکت‌ها و حقوق سهامداران متمرکز بود و بعدها، با طرح دیدگاه‌های نوین با توجه جدی به حقوق تمام ذی‌نفعان و اجتماع تکامل پیدا کرد. سازمان‌های بین‌المللی مانند شبکه جهانی حاکمیت شرکتی<sup>۱</sup>، بانک جهانی، انجمن مشترک‌المنافع حاکمیت شرکتی<sup>۲</sup>، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۳</sup> استانداردهای قابل قبول بین‌المللی را در این مورد فراهم می‌کنند. در آمریکا و بریتانیا و سایر کشورها، همچنان به تقویت سیستم‌های حاکمیت شرکتی خود ادامه می‌دهند و به سهامداران و روابط آن‌ها، پاسخگویی، بهبود عملکرد هیئت‌مدیره، کمیته‌های هیئت‌مدیره کمیته حسابرسی، حسابرسان و سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی توجه ویژه می‌کنند. (واعظ، کرراهی مقدم والهائی، ۱۳۸۹). در طول سالیان گذشته، به اهمیت ویژگی‌های مختلف حاکمیت شرکتی به‌عنوان مکانیزم نظارتی به‌منظور کنترل اختیار مدیران توجه رو به رشدی شده است. بیشتر سرمایه‌گذاران و تدوین‌کنندگان قوانین اعتقاد دارند برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (مانند وجود اعضای غیرموظف و مستقل در ترکیب هیئت‌مدیره) به حفظ منافع سهامداران کمک نموده و هرگونه تضاد منافع بین آن‌ها و مدیریت را کاهش می‌دهند. بروز چنین تضادهایی می‌تواند منجر به اقداماتی شده که به ارائه نادرست صورت‌های مالی، کاهش کیفیت گزارشگری مالی و تقلب‌های صورت‌های مالی و در نتیجه تجدید ارائه صورت‌های مالی بی‌انجام (عبدالله، محمدیوسف و محمدنور<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). در یک نگاه کلی حاکمیت شرکتی را می‌توان شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی دانست که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کند. عناصری که در این صحنه حضور دارند عبارتند از سهامداران و ساختار مالکیت ایشان، اعضای هیئت‌مدیره و ترکیبات آنان، مدیریت شرکت که توسط مدیرعامل یا مدیریت ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذی‌نفع‌ها که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند (ستایش، قربانی و گل محمدی، ۱۳۸۸).

### پیشینه تجربی پژوهش

در تحقیقات پیشین خارجی انگیزه‌های مدیریتی تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مورد بررسی قرار گرفته است.

<sup>1</sup> International Corporate Governance Network

<sup>2</sup> Common wealth Association for Corporate Governance

<sup>3</sup> Organization for economic co-operation and development

<sup>4</sup> Abdullah, Mohamad Yusof & Mohamad Nor

سورگاو و سولیکاه<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در پژوهش خود به بررسی تأثیر عوامل مالی و غیرمالی بر تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت پرداختند. عوامل مالی مورد بررسی شامل اهرم، نقدینگی، حجم دارایی‌های ثابت، اندازه بنگاه و ارزش بنگاه و عوامل غیرمالی شامل مالکیت مدیریتی، مالکیت دولتی و اعضای مستقل هیئت مدیره هستند. این پژوهش با انتخاب یک مجموعه ۷۱ شرکتی از شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار در سال ۲۰۱۴ انجام شد. براساس نتایج پژوهش تنها مالکیت مدیریتی و مالکیت دولتی یا به بیان دیگر عوامل غیرمالی بر تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مؤثرند.

سیندا والی (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و تصمیم به تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در ۹۱ شرکت بورسی و غیربورسی در کشور تونس پرداخته است که در نهایت نتایج نشان می‌دهد تنها نسبت سهام موجود در بلوک سهام از سازوکارهای حاکمیت شرکتی با تجدید ارزیابی رابطه معناداری دارد. شواهد نیز نشان می‌دهد شرکت‌هایی که قبلاً زیان انباشته داشته‌اند و شرکت‌های با اهرم بالا که تمایل دارند بدهی‌های خود را نکول نکنند، بیشتر احتمال دارد دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی کنند.

لوپز و واکر<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در تحقیق خود طی سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۴ که به بررسی رابطه تجدید ارزیابی با عملکرد آتی شرکت‌ها و ترتیبات حاکمیت شرکتی پرداختند بدین نتیجه رسیدند که تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت با عملکرد، قیمت‌ها و بازده‌های آتی شرکت رابطه منفی دارد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در برزیل نه برای انتقال اطلاعات به کاربران خارجی صورت‌های مالی، بلکه به منظور بهبود موقعیت‌های سرمایه‌ای-انگیزه‌های فرصت‌طلبانه طراحی شده است و شرکت‌هایی که ترتیبات حاکمیت اختیاری بالاتری را اتخاذ می‌کنند، کمتر احتمال دارد درگیر اقدامات طراحی شده برای دستکاری در صورت‌های مالی خود باشند.

ابودی، بارث و کزنیک<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) نیز با بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت شرکت‌های انگلیسی بر عملکرد آتی دریافتند تجدید ارزیابی به‌طور قابل توجهی رابطه مثبت با تغییرات عملکرد آینده دارد. سینگ و سو<sup>۴</sup> (۲۰۱۰)، پیرا<sup>۵</sup> (۲۰۰۷)، جگی و تی سویی<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) و براون، ایزان و لوی (۱۹۹۲) که در تحقیقات خود به دنبال رابطه انگیزه‌های مدیریت و تجدید ارزیابی بودند، افزایش ظرفیت استقراض

<sup>1</sup> Lintang Ayu Surgawi and Badingatus Solikhah

<sup>2</sup> Lopes & Walker

<sup>3</sup> Aboody, Barth and Kasznik

<sup>4</sup> Seng and Su

<sup>5</sup> Piera

<sup>6</sup> Jaggi and Tsui

و عوامل مؤثر اقتصادی، کاهش هزینه‌های قراردادی، هزینه‌های سیاسی و نشان دادن ارزش منصفانه دارایی‌ها به کاربران صورت‌های مالی را انگیزه‌های تجدید ارزیابی بیان می‌کنند. با توجه به عدم استقبال شرکت‌ها از رویه تجدید ارزیابی سابقه تحقیقاتی غنی‌ای در این زمینه در ایران وجود ندارد اما در سال‌های اخیر با توجه به دوره معافیت مالیاتی و اقدام شرکت‌ها به تجدید ارزیابی، تحقیقات اندکی نیز در این زمینه انجام شده است.

عمرانی، حاجیان و جعفری (۱۳۹۷) در بررسی ۶۱ شرکت پذیرفته شده در بورس در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ نشان دادند تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت بر ارتباط ارزشی سود شرکت‌ها تأثیر مستقیم معناداری دارد. این نتایج نشان می‌دهد ارتباط ارزشی سود شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی انجام داده‌اند نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر است.

منصوری، جباری و طالب‌بیدختی (۱۳۹۶) هزینه‌های حسابرسی را در ۶۲ شرکت که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی نموده‌اند و ۶۵ شرکت که دارایی‌های خود را به بهای تمام شده تاریخی نگهداری می‌کنند، بررسی کردند. آن‌ها استدلال کردند که تجدید ارزیابی در اغلب موارد موجب افزایش دارایی‌های شرکت گردیده و در پی آن حساب‌رسان نیز ممکن است نسبت به حق‌الزحمه خود تجدید نظر نمایند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد تجدید ارزیابی دارایی‌ها منجر به افزایش هزینه‌های حسابرسی در شرکت‌های مورد مطالعه شده است. همچنین شرکت‌هایی که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که از مدل بهای تمام شده تاریخی استفاده می‌کنند، هزینه حسابرسی بیشتری متحمل می‌شوند.

### سازوکارهای حاکمیت شرکتی و تدوین فرضیه‌های پژوهش تمرکز مالکیت

ساختار مالکیت شرکت، که می‌تواند پراکنده یا متمرکز باشد، بر انتخاب روش حسابداری مدیران تأثیر می‌گذارد. غالب بحث این احتمال است که سهامداران عمده از حقوق کنترلی خود برای ایجاد مزایای شخصی استفاده می‌کنند، گاهی اوقات از سرمایه‌گذاران کوچکتر سوءاستفاده می‌کنند. هنگامی که مالکیت در سطحی متمرکز شده باشد که مالک آن کنترل مؤثر بر شرکت را به دست می‌گیرد، ماهیت مشکل نمایندگی از تضاد منافع میان مدیران و سهامداران به تضاد منافع بین مالک کنترل‌کننده (که همچنین مدیر است) و سهامداران اقلیت منتقل می‌شود (سیندا والی، ۲۰۱۵). رحیم، مالکوم و زبیده<sup>۱</sup>

<sup>1</sup> Rahimah, Malcolm & Zubaidah

(۲۰۱۰) تأیید کردند که در زمینه مالکیت متمرکز، صاحبان بلوک‌های سهام همچنین قادرند از قدرت خود برای تعیین اطلاعات در گزارش‌های مالی استفاده کنند.  
**فرضیه ۱:** بین تمرکز مالکیت و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود دارد.

### مدیران غیرموظف هیئت‌مدیره

مدیرانی که به‌عنوان غیرموظف شناخته می‌شوند، بهتر قادر به نظارت بر مدیران می‌باشند، زیرا آن‌ها خودشان در شرکت‌هایی که در هیئت‌مدیره آن‌ها نشسته‌اند مأمور نیستند. آن‌ها همچنین انگیزه‌ای برای نظارت بر مدیریت و تسهیل نظارت بیشتر توسط سهامداران دارند زیرا ارزش خود را به‌عنوان مدیر غیرموظف در بازار سرمایه انسانی عمدتاً بر عملکرد شرکت‌هایی که هیئت‌مدیره آن‌ها هستند، می‌دانند (فاما و یسنس<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳؛ هریسون و هارل<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳). از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره شرکت‌ها به‌عنوان افرادی مستقل، موجب کاهش تضاد منافع میان سهامداران و مدیران شرکت خواهد شد (فاما<sup>۳</sup>، ۱۹۸۰). فرض بر این است که نسبت مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره به‌طور مستقیم با تصمیم تجدید ارزیابی ارتباط دارد؛ زیرا آن‌ها خواستار حاکمیت بهتر هستند و علاقه بیشتری به افشای ارزش واقعی شرکت دارند (سینا والی، ۲۰۱۵).  
**فرضیه ۲:** بین استقلال هیئت‌مدیره و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود دارد.

### دوگانگی مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره

براساس تئوری نمایندگی نقش مدیرعامل بایستی از اعضای هیئت‌مدیره جدا شود، زیرا اگر یک شخص هم عضو هیئت‌مدیره شرکت باشد و هم مسئولیت مدیرعاملی را به عهده داشته باشد، بر سایر اعضای هیئت‌مدیره نفوذ بیشتری خواهد داشت و در نهایت می‌تواند عدم مؤثر بودن اعضای هیئت‌مدیره را در نظارت و کنترل بر اعمال و رفتار مدیرعامل فراهم نماید (یسنس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳). حجازی و یوسفی (۱۳۹۷) معتقدند وقتی قدرت مدیرعامل از یک نقطه آستانه عبور می‌کند، آن‌ها اختیارات بیشتری برای اعمال نفوذ بدهی شرکت‌ها خواهند داشت. از این‌رو این مکانیزم حاکمیت شرکتی نیز می‌تواند بر تصمیمات شرکت در مورد روش‌های حسابداری و گزارشگری مالی تأثیرگذار باشد

<sup>1</sup> Fama & Jensen

<sup>2</sup> Harrison & Harrell

<sup>3</sup> Fama

<sup>4</sup> Jensen

**فرضیه ۳:** بین دوگانگی مدیرعامل (CEO)/عضو هیئت‌مدیره و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود دارد.

### کیفیت حسابرسی

نتایج پژوهش شمس‌الدینی، جوکار و دانشی (۱۳۹۶) نشان داد کیفیت حسابرسی می‌تواند بر کیفیت اطلاعات حسابداری و عدم اطمینان اطلاعاتی تأثیرگذار باشد. حسابرسی توسط شرکت‌های حسابرسی بزرگ نشان می‌دهد که کار انجام گرفته از سوی این حسابرسان، کیفیت بهتر حسابرسی را در مقایسه با سایر شرکت‌های حسابرسی به‌دنبال دارد. اعتقاد بر این است که رویه‌های حسابرسی آن‌ها ساختمان‌دتر بوده و از سازماندهی نظام‌مندی برخوردار می‌باشد (موسوی، جباری، طالب‌بیدختی، ۱۳۹۴).

**فرضیه ۴:** بین کیفیت حسابرسی و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود دارد.

### سهام شناور آزاد

منظور از سهام شناور آزاد مقدار سهمی است که انتظار می‌رود در آینده نزدیک قابل معامله باشد، یعنی در مالکیت دارندگان است که آماده‌اند در صورت اخذ قیمت مناسب، آن را برای فروش عرضه نمایند. مؤسسه مورگان استنلی<sup>۱</sup>، سهام شناور آزاد را نسبتی از سهام شرکت تعریف می‌کند که در بازار قابل معامله بوده و با اهداف مدیریتی توسط سهامداران نهادی نگهداری نشود. سهام شناور بالاتر عموماً برای حمایت بهتر از سهامداران است. زیرا مالکیت پراکنده حقوق قوی‌تری برای سهامداران جزء ایجاد می‌کند (شاخص راهبری شرکتی بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۴). هدف سهامداران جزء از خرید و فروش سهام شناور آزاد اهداف مدیریتی نیست. تغییر در سهام شناور آزاد به معنای تغییر در کنترل شرکت است.

**فرضیه ۵:** بین درصد سهام شناور آزاد در بورس اوراق بهادار و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود دارد.

### رتبه‌بندی کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی

از سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌توان کیفیت افشای اطلاعات و شفافیت مالی را نام برد. افشای صحیح، مناسب و به‌موقع اطلاعات مالی باعث کاهش شکاف عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سهامداران و تصمیم‌گیری بهتر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی می‌شود. شرکت‌هایی که

<sup>۱</sup> یک مؤسسه بین‌المللی در زمینه تعیین شاخص است (Morgan Stanley Capital International Inc)

دارای رتبه کیفیت افشا و اطلاع رسانی بالاتری هستند به طور یقین قدرت بازار در نظارت بر ایشان بالاتر رفته و در سطح ساختار حاکمیت شرکتی بالاتری به سر می‌برند (حساس‌یگانه و احمدی، ۱۳۹۲).  
**فرضیه ۶:** بین رتبه‌بندی کیفیت افشا و اطلاع رسانی و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود دارد.

### روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی و روش تحقیق، توصیفی همبستگی می‌باشد. در این پژوهش، به منظور آزمون فرضیه‌ها، اطلاعات در زمینه ادبیات و پیشینه تحقیق با مطالعه کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات دیگر پژوهشگران و جهت فراهم کردن و محاسبه متغیرهای تحقیق، از اطلاعات مالی شرکت‌های ثبت شده در بورس اوراق بهادار با استفاده از نرم‌افزار تدبیرپرداز و ره‌آورد نوین و سایت اطلاع‌رسانی شرکت بورس استفاده شده است. همچنین در این پژوهش برای آزمون فرضیات از نرم‌افزار اکسل و استاتا<sup>۱</sup> استفاده شده است. پس از بررسی شرکت‌ها از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶، تعداد ۱۱۳ شرکت به‌عنوان نمونه نهایی انتخاب شد. تعداد ۶۳ شرکت از شرکت‌هایی که طی این مدت حداقل یکبار در این دوره زمانی تجدید ارزیابی کرده بودند در نمونه قرار گرفتند. مابقی نیز به‌صورت تصادفی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس انتخاب شده‌اند که طی این دوره تجدید ارزیابی نکرده‌اند. با بررسی‌های انجام شده در سال ۹۶ هیچ شرکتی تجدید ارزیابی نکرده است. با توجه به این موضوع و برای قابل اتکا بودن نتایج، این سال از نمونه حذف گردید.

### الگو و متغیرهای پژوهش

به‌منظور آزمون فرضیه‌های بیان شده، از تجزیه و تحلیل چندمتغیره استفاده شده است. مدل رگرسیون لجستیک برای برآورد ضرایب و تجزیه و تحلیل به‌کار برده می‌شود.

$$REV_{it} = \beta_0 + \beta_1 OC_{it} + \beta_2 BI_{it} + \beta_3 D_{it} + \beta_4 AQ_{it} + \beta_6 FFP_{it} + \beta_7 RDQ_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} AL_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن  $REV_{it}$  متغیر تجدید ارزیابی است که اگر شرکت  $i$  در سال  $t$  اقدام به تجدید ارزیابی کرده باشد، عدد یک و در غیراینصورت عدد صفر می‌گیرد.

<sup>1</sup> Stata

## متغیرهای مستقل:

$OC_{it}$ : تمرکز مالکیت مربوط به شرکت  $i$  ام در سال  $t$  است.

$BI_{it}$ : استقلال هیئت‌مدیره مربوط به شرکت  $i$  ام در سال  $t$  است.

$D_{it}$ : دوگانگی مدیرعامل / عضو هیئت‌مدیره مربوط به شرکت  $i$  ام در سال  $t$  است.

$AQ_{it}$ : کیفیت حسابرسی مربوط به شرکت  $i$  ام در سال  $t$  است.

$FF_{it}$ : درصد سهام شناور آزاد در بورس اوراق بهادار مربوط به شرکت  $i$  ام در سال  $t$  است.

$RDQ_{it}$ : رتبه‌بندی کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مربوط به شرکت  $i$  ام در سال  $t$  است.

## متغیرهای کنترلی:

$SIZE_{it}$ : اندازه شرکت  $i$  ام در سال  $t$  است.

$LEV_{it}$ : اهرم مالی شرکت  $i$  ام در سال  $t$  است.

$AL_{it}$ : زیان‌های انباشته شرکت  $i$  ام در سال  $t$  است.

$\varepsilon$ : جمله خطاست

تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق نیز از قرار زیر است:

## نگاره شماره ۱: تعریف عملیاتی متغیرها

تعریف علمی	متغیر
<b>متغیر مستقل: حاکمیت شرکتی</b>	
برای محاسبه تمرکز مالکیت، از شاخص هرفیندال - هریشمن استفاده شده است. بدین ترتیب که درصد سهام هر یک از مالکان نهادی (سهامداران مالک حداقل ۵ درصد سهام) به توان ۲ رسیده و با هم جمع می‌شوند، حاصل بین صفر و یک بوده و هر چقدر به یک نزدیکتر باشند، تمرکز مالکیت (هرمی) بیشتر است.	تمرکز مالکیت (OC)
نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل تعداد اعضای هیئت‌مدیره	استقلال هیئت‌مدیره (BI)
این متغیر مجازی بیان می‌دارد که آیا مدیرعامل عضو هیئت‌مدیره هست یا خیر. اگر جواب مثبت باشد، این متغیر مقدار صفر را به خود اختصاص می‌دهد و در غیر این صورت، عدد ۱ را می‌پذیرد.	دوگانگی مدیرعامل / عضو هیئت‌مدیره (D)
این متغیر مجازی بیان می‌کند که اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی و یا مؤسسات حسابرسی طبقه ۱ معتمد سازمان بورس، حسابرسی شده باشد = ۱ و در غیر این صورت = ۰ است.	کیفیت حسابرسی (AQ)
سهام شناور آزاد برابر خواهد بود با کل سهام منتشره شرکت منهای تعداد سهام در اختیار سهامداران نهادی که توسط بورس گزارش می‌شود.	درصد سهام شناور آزاد (FFP)
این متغیر نشان‌دهنده رتبه شرکت‌ها براساس امتیاز کسب شده از نظر کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب است که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام می‌گردد.	رتبه‌بندی کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی (RDQ)
<b>متغیر وابسته: تجدید ارزیابی</b>	
تجدید ارزیابی یک متغیر مجازی است، اگر شرکت تجدید ارزیابی کرده باشد = ۱، در غیر این صورت = ۰ است.	تجدید ارزیابی (REV)
<b>متغیرهای کنترلی</b>	
لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت	اندازه شرکت (SIZE)
بدهی‌های مالی تقسیم بر کل دارایی‌ها	اهرم مالی (LEV)
یک متغیر مجازی است که هنگامی که شرکت دارای زیان انباشته باشد برابر با یک و اگر دارای سود انباشته باشد برابر با صفر است.	زیان انباشته (AL)

## یافته‌های پژوهش

در زیر نگاره آمار توصیفی که شاخص‌های مرکزی را در برمی‌گیرد ارائه شده است.

نگاره شماره ۲: نتایج آمار توصیفی

علامت اختصاری	تعداد داده‌ها	میانگین	میانۀ	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	مینیمم داده	ماکزیمم داده
OC	۶۷۷	۰,۳۲	۰,۲۸	۰,۲۰۸	۰,۰۴۳	۰,۹۸۸	۳,۷۵	۰	۰,۹۸
BI	۶۷۷	۰,۶۷	۰,۸	۰,۲۱	۰,۰۴۴	-۰,۵۳۵	۲,۷۹	۰	۱
RDQ	۶۱۴	۱۶۲,۸۳	۱۷۰,۵	۸۸,۰۰۳	۷۷۴۴,۶۴	-۰,۲۰۲	۱,۸۴	۱	۳۲۰
FFP	۶۱۰	۰,۲۴	۰,۲۱	۰,۱۵۴	۰,۰۲۳	۰,۸۳۴	۳,۵۸	۰	۰,۸۸
SIZE	۶۷۸	۱۲,۲۱	۱۲,۰۳	۰,۷۵۱	۰,۵۶۴	۰,۶۹۴	۳,۰۱	۱۰,۵۶۲	۱۴,۳۰۹
LEV	۶۷۸	۰,۲۴	۰,۲۰	۰,۲۱۱	۰,۰۴۴	۱,۲۹۳	۵,۵۷	۰	۱,۳۷۳

نگاره شماره ۳: آمار توصیفی متغیرهای مجازی

علامت اختصاری	تعداد داده‌ها	میانگین	میانۀ	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
REV	۶۷۸	۰,۰۹۲	۰	۰,۲۹۰	۰,۰۸۴	۲,۸۰۴	۸,۸۶۴
D	۶۷۷	۰,۰۱۶۲	۰	۰,۳۶۹	۰,۱۳۶	۱,۸۲۹	۴,۳۴۸
AQ	۶۷۷	۰,۸۷۴	۱	۰,۳۳۱	۰,۱۰۹	-۲,۲۶	۶,۱۰۸
AL	۶۷۸	۰,۳۰۹	۰	۰,۴۶۲	۰,۲۱۴	۰,۸۲۲	۱,۶۷۷

در متغیر OC (یا تمرکز مالکیت) مینیمم ۰ بدین معناست که برخی شرکت‌ها مانند آبسال سهامدار بالای ۵ درصد نداشته‌اند. از طرفی ماکزیمم ۰,۹۸ مربوط به شرکت‌هایی مانند پتروشیمی مبین است که سهامدار عمده آن در سال‌های ۹۰-۹۳، ۹۹ درصد سهام را در اختیار داشته‌اند. شاخص تمرکز مالکیت در شرکت‌های نمونه به‌طور میانگین حدود ۳۲ درصد است.

در مورد متغیر BI (یا درصد مدیران غیرموظف) می‌توان گفت به‌طور مثال در شرکت‌هایی مانند ایران مرینوس، پارس مینو و پتروشیمی خارک تمام اعضای هیئت‌مدیره غیرموظف می‌باشند در حالی که در شرکتی مانند آبسال در سال ۹۲-۹۳ تمامی اعضای هیئت‌مدیره موظف بوده‌اند.

متغیر وابسته REV با توجه به اینکه یک متغیر مجازی است، برای شرکت‌های تجدید ارزیابی شده یک و برای سایرین صفر است. تعداد ۶۳ سال- شرکت از مجموع ۶۷۸ سال- شرکت تجدید

ارزیابی شده‌اند که به‌طور میانگین ۹,۲۹ درصد مجموع را تشکیل می‌دهند (با توجه به انگیزه تجدید ارزیابی تنها سال اول تجدید ارزیابی در این نمونه قید می‌شود). میانگین متغیر مجازی دوگانگی (یا D) گویای آنست که (با توجه به میانه) تنها در ۱۶ درصد سال-شرکت مدیرعامل عضو هیئت‌مدیره نیست. میانگین AL بدین معناست که ۳۰ درصد از مجموع ۶۷۸ سال-شرکت دارای زیان انباشته بوده‌اند.

### نتایج تخمین مدل

نکته‌ای که در اینجا باید بدان اشاره کرد اینست که داده‌های ما که مربوط به ۱۱۳ شرکت (i) در ۶ سال (t) است به‌صورت پنل در مدل وارد شده است. براساس ادبیات اقتصادسنجی، می‌بایست استفاده از روش تخمین داده‌های پنل مورد آزمون قرار گیرد. در رگرسیون معمولی، از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در روش رگرسیون لجستیک آزمون LR جایگزین این آزمون می‌شود که فرضیه صفر آن بیانگر مناسب بودن الگوی پانل است. تخمین الگوها، با اجرای دستور لاجیت داده‌های پنل یکی از آزمون‌هایی که در مدل نمایش داده می‌شود آزمون LR یا نسبت درستنمایی است. طبق این آزمون که تخمین زنده‌های pooled و panel را مقایسه می‌کند، به این نتیجه می‌رسیم که داده‌های ما pooled هستند. چرا که در رگرسیون لاجیت به‌جای آزمون F لیمر از آزمون LR برای بررسی نیکویی برازش استفاده می‌شود.

نگاره شماره ۵: آزمون LR

آزمون LR یا نسبت درستنمایی	
نتیجه	P-value
Pooled	۰,۴۹۸

نگاره شماره ۶: نتایج آزمون و بررسی فرضیات

نام متغیر	نماد	ضرایب Coefficient	Odd ratio	آماره z	احتمال (p-value)
عرض از مبدأ		-۲,۵۴	۰,۰۷۸	-۰,۹۷	۰,۲۸۱
تمرکز مالکیت	OC	-۰,۶۲	۰,۵۳	-۰,۷۱	۰,۴۷۸
استقلال هیئت‌مدیره	BI	۰,۵۴	۱,۷۳	۰,۷۳	۰,۴۶۴
دوگانگی	D	-۰,۹۱	۰,۴	-۱,۶۵	**۰,۱۰۰
کیفیت حسابرسی	AQ	-۰,۵۱	۰,۵۹	-۱,۲۵	۰,۲۱۱
درصد سهام شناور آزاد در بورس اوراق بهادار	FFp	۰,۵۳	۱,۷۰	۰,۴۷	۰,۶۴۲
رتبه‌بندی کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی	RDQ	-۰,۰۰۰۸	۱	-۰,۴۰	۰,۶۹۲
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۱۰	۱,۰۱	۰,۰۵	۰,۹۵۶
زیان‌های انباشته	AL	۱,۱۲	۳,۰۷	۲,۹۸	*۰,۰۰۳
اهرم مالی	LEV	۰,۳۱	۱,۳۷	۰,۴۹	۰,۶۲۷

با توجه به آماره z و احتمال مربوط به این آماره، در سطح احتمال ۹۵ درصد بین هیچ‌کدام از سازوکارهای حاکمیت شرکتی با تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود ندارد. مشاهده می‌کنیم که آماره z مربوط به متغیر دوگانگی برابر با مقدار -۱,۶۵- و مقدار احتمال آن ۰,۱ است و در نتیجه در سطح احتمال ۹۰ درصد معنادار می‌باشد (در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار نمی‌باشد). همچنین میان متغیر کنترلی زیان انباشته و تجدید ارزیابی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین در سطح احتمال ۹۹ درصد فرض صفر رد می‌شود و فرض یک که مبنی بر معنادار بودن رابطه زیان‌های انباشته با تصمیم به تجدیدارزیابی مدیران است در این سطح احتمال پذیرفته می‌شود.

به منظور تفسیر نتایج حاصل از مدل لاجیت که در قبل ارائه شده است، قصد داریم اثر نهایی متغیر وابسته بر روی متغیرها را مشخص کنیم چرا که ضرایب نمی‌توانند اثر نهایی را نشان دهند و تفسیر مقداری ندارند. در نگاره زیر این اثرات نهایی ارائه شده است:

در ستون اول این نگاره متغیرهای مستقل موجود در مدل رگرسیونی نمایش داده شده است. در ستون دوم مقدار اثر نهایی متغیر نشان داده شده که از مشتق متغیر وابسته نسبت به متغیر مستقل به دست می‌آید. در ستون سوم نگاره انحراف معیار آن گزارش شده که به وسیله آن آماره z در ستون چهارم و میزان احتمال آماره z در ستون پنجم نگاره محاسبه شده است. ستون آخر مقدار متغیر X یا همان مقدار میانگین متغیر مستقل گزارش شده است:

نگاره شماره ۷: اثرات نهایی مدل

نام متغیر	نماد	اثرات نهایی (dy/dx)	انحراف معیار	آماره z	p-value	x
تمرکز مالکیت	OC	-۰,۰۴۴	۰,۰۶۳	-۰,۷۰	۰,۴۸	۰,۳۱
استقلال هیئت مدیره	BI	۰,۰۳۹	۰,۰۵۳	۰,۷۴	۰,۴۶	۰,۶۶۴
دوگانگی	D	-۰,۰۵۱**	۰,۰۲۳	-۲,۱۸	۰,۰۲**	۰,۱۴۸
کیفیت حسابرسی	AQ	-۰,۰۴۴	۰,۰۴۱	-۱,۰۷	۰,۲۸۶	۰,۸۸۶
درصد سهام شناور آزاد در بورس اوراق بهادار	FFp	۰,۰۳۸	۰,۰۸۱	۰,۴۷	۰,۶۴۰	۰,۲۴۶
رتبه بندی کیفیت افشا و اطلاع رسانی	RDQ	~	~	-۰,۳۹	۰,۶۹۳	۱۶۲,۵
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۰۰۷	۰,۰۱۳	-۰,۰۵	۰,۹۵۶	۱۲,۱۸
زیان های انباشته	AL	۰,۱۰۲*	۰,۰۴۱	۲,۴۸	۰,۰۱	۰,۲۶۸
اهرم مالی	LEV	۰,۰۲۲	۰,۰۴۷	۰,۴۸	۰,۶۲۸	۰,۲۳۴

\*\* مقدار اثر نهایی متغیر دوگانگی (D) برابر با  $-۰,۰۵۱$  است و این بدین معناست که اگر یک واحد به متغیر دوگانگی افزوده شود (از شرکتی که مدیرعامل عضو هیئت مدیره است به شرکتی که نقش مدیرعامل جدا از هیئت مدیره است) به میزان ۵ درصد از احتمال تجدید ارزیابی کاسته می شود. به عبارت دیگر، شرکت هایی که در آن ها مدیرعامل عضو هیئت مدیره نمی باشد مدیران تمایل کمتری به تجدید ارزیابی دارایی های ثابت دارند. این را نیز باید عنوان کرد که این اثر نهایی به شرط اینکه مقدار ثابت متغیر دوگانگی برابر با  $۰,۱۴۸$  باشد برقرار است.

\*\* مقدار اثر نهایی متغیر زیان های انباشته (AL) برابر با  $۰,۱۰۲$  است و این بدین معناست که اگر یک واحد به متغیر AL افزوده شود (از شرکتی که زیان انباشته ندارد به شرکتی که زیان انباشته دارد) به میزان ۱۰ درصد به احتمال تجدید ارزیابی افزوده می شود. به بیانی دیگر، شرکت هایی که زیان انباشته دارند تمایل بیشتری به تجدید ارزیابی در مدیران دیده می شود. که این اثر نهایی به شرط اینکه مقدار ثابت متغیر AL برابر با  $۰,۲۶۸$  باشد برقرار است.

## نتایج برآورد

در نگاره زیر نتایج بررسی کلی مدل پژوهش ارائه شده است:

نگاره شماره ۸: نتایج برآورد کلی مدل

-۱۷۱,۹۲۳	Log pseudolikelihood
۲۲,۶۵	Wald chi2(9)
۰,۰۰۷	Prob > chi2
۰,۰۵۲	Pseudo R2

با استفاده از آزمون والد کای دو می‌توان معناداری کل مدل را تعیین کرد. براساس میزان احتمال آماره والدکای دو و سطح معناداری مربوطه نشان می‌دهد که کل مدل از نظر آماری معنادار است و از طرفی آماره Pseudo R2 نشانگر آن است که مدل ما در سطح ۵,۲ درصد توانسته مدل رگرسیونی مورد نظر ما را توصیف کند. این آماره معادل R-Square در رگرسیون OLS است. در این قسمت به منظور تعیین میزان انطباق (برازش)<sup>۱</sup> مدل رگرسیونی، آزمون برازش پیرسون و هاسمر-لیم-شو به کار برده شد که در نگاره نتایج حاصل آن به طور کامل آورده شده است:

$H_0$ : مدل متناسب با داده‌های مشاهده شده می‌باشد.

$H_1$ : مدل متناسب با داده‌های مشاهده شده نمی‌باشد.

نگاره شماره ۹: نتایج تعیین میزان انطباق مدل رگرسیونی

۵۹۹	تعداد مشاهدات
<b>Pearson goodness-of-fit</b>	
۵۹۹	number of covariate patterns
۵۸۸,۰۶	Pearson chi2(537)
*۰,۵۰۳۱	Prob > chi2
<b>Hosmer-lemeshow goodness-of-fit</b>	
۱۰	Number of groups
۵,۴۸	Hosmer-Lemeshow chi2(8)
*۰,۷۰۵۲	Prob > chi2

\* از آنجایی که مقادیر احتمال این دو آزمون از ۰,۰۵ بیشتر است، فرض صفر رد نمی‌شود و در نتیجه مدل ما متناسب با مشاهدات است.

<sup>۱</sup> Goodness of Fit

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش بررسی تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی است که با هدف نظارت و تأیید تصمیمات مدیریت و اطمینان از عملکرد شرکت برای سهامداران طراحی شده و بر تصمیمات مدیران مبنی بر تجدید ارزیابی تأثیرگذار بوده است. سندا والی (۲۰۱۵) سازوکارهای حاکمیت شرکتی را در کشور تونس بررسی کرد و دریافت ساختار مالکیت شرکت بر تصمیم به تجدید ارزیابی تأثیر می‌گذارد. از این رو تلاش شد تا در این پژوهش نیز بررسی شود که آیا علت اتخاذ تصمیم به تجدید ارزیابی در شرکت‌های ایرانی می‌تواند توسط برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی توضیح داده شود.

طبق فرضیه اول پیش‌بینی کردیم که بین تمرکز مالکیت و تجدید ارزیابی مدیران رابطه معناداری وجود دارد. برای اندازه‌گیری تمرکز مالکیت به پیروی از پاک‌مرام و لطفی (۱۳۹۵) و بهارمقدم، صادقی و صفرزاده (۱۳۹۲) از شاخص هرفیندال-هیرشمن استفاده شد. سندا والی (۲۰۱۵) در مقاله خود که به بررسی تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر تجدید ارزیابی دارایی در شرکت‌های بورسی و غیربورسی تونس پرداخت، معتقد بود ساختار مالکیت شرکت، که می‌تواند پراکنده یا متمرکز باشد، بر انتخاب روش حسابداری مدیران تأثیر می‌گذارد. وی نتایجی مبنی بر ارتباط معنادار بین میزان مالکیت متمرکز شرکت‌های بورسی و غیربورسی و تصمیم به تجدید ارزیابی مدیران یافت که متفاوت از نتایج حاصله در ایران داشت. وی این موضوع را این‌گونه تفسیر کرد که صاحبان بلوک سهام به انتخاب روش‌های حسابداری به‌طور کلی واکنش نشان می‌دهند. چرا که رحیم، مالکوم و زبیده (۲۰۱۰) تأیید کردند که در زمینه مالکیت متمرکز، صاحبان بلوک‌های سهام قادر هستند از قدرت خود برای تعیین اطلاعات در گزارش‌های مالی استفاده کنند. علت عدم همخوانی نتیجه پژوهش فعلی با سندا والی را می‌توان تفاوت در ترتیبات حاکمیت شرکتی در دو جامعه و نوع اندازه‌گیری تمرکز مالکیت در مدل دو پژوهش دانست. این مسئله نیز که در نتایج فرضیات آتی مورد توجه قرار می‌گیرد مبین این موضوع است که عوامل غیرمالی همانند تمرکز مالکیت و استقلال هیئت‌مدیره و ... در حاکمیت شرکتی در ایران تأثیر قابل توجهی بر تصمیمات تجدید ارزیابی ندارند. در حالی که عوامل مالی مانند زیان‌های انباشته عامل مهمی در این تصمیم خواهد بود.

طبق فرضیه دوم پیش‌بینی کردیم که بین نسبت هیئت‌مدیره متشکل از مدیران غیرموظف و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود دارد. در تعدادی از مطالعات بین‌المللی نسبت مدیران غیرموظف به تعداد کل مدیران در هیئت‌مدیره به افشای داوطلبانه مدیریت مربوط شده است (چنگ و کورتنی، ۲۰۰۶؛ لیم، متولکسی و چاو، ۲۰۰۷). سندا والی (۲۰۱۵) نیز معتقد بود که مدیران غیرموظف یک عامل مهم

در ترکیب هیئت‌مدیره هستند، که با توجه به نقش نظارتی که در آن بازی می‌کنند بر اثربخشی هیئت‌مدیره تأثیر می‌گذارند و فرض می‌کند که نسبت مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره به‌طور مستقیم با تجدید ارزیابی ارتباط دارد؛ زیرا آن‌ها خواستار حاکمیت بهتر هستند و علاقه بیشتری به افشای ارزش واقعی شرکت دارند. ولی در پژوهش وی نیز همانند این پژوهش ارتباط معناداری بین استقلال هیئت‌مدیره و تجدید ارزیابی یافت نشد.

براساس فرضیه سوم پیش‌بینی کردیم که بین دوگانگی نقش مدیرعامل در هیئت‌مدیره و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود دارد. از آنجایی که در ایران طبق اصول و نظام راهبری شرکتی، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت نباید شخص واحدی باشد، ما نیز در این تحقیق به پیروی از تحقیق حساس‌یگانه و احمدی (۱۳۹۲) دوگانگی مدیرعامل/عضو هیئت‌مدیره را در نظر می‌گیریم. سیندا والی (۲۰۱۵) معتقد است سهامداران و قانون‌گذاران فعال از این موضوع حمایت کرده‌اند که جداسازی عناوین مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره، به حفظ بی‌طرفی، کاهش هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌ها و بهبود عملکرد کمک خواهد کرد. با این حال، چندین مطالعه دیگر، عملکرد و دوگانگی را غیرمرتبط یافته‌اند (دیلی و دالتون، ۱۹۹۲؛ پاک‌مرام و لطفی، ۱۳۹۵؛ حساس‌یگانه، رئیسی و حسینی، ۱۳۸۸). سیندا والی نیز به نتایج مشابهی مبنی بر عدم ارتباط بین دوگانگی و تجدید ارزیابی دست یافت. با این وجود در پژوهش حاضر در سطح احتمال ۹۰ درصد، به ارتباط منفی و معنادار بین دوگانگی نقش مدیرعامل و تجدید ارزیابی دست یافتیم که می‌تواند ناشی از نقش نظارتی و کنترلی مدیرعامل خارج از اعضای هیئت‌مدیره باشد.

طبق فرضیه چهارم پیش‌بینی کردیم که بین کیفیت حسابرسی و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود دارد. سیندا والی (۲۰۱۵) معتقد بود حسابرسان مستقل می‌بایست بر بهبود عملکرد تمرکز کنند. از طرفی اجرای مؤثر حسابرسی کیفی به قابلیت اطمینان اطلاعات مالی به‌موقع و مفید کمک می‌کند. تجدید ارزیابی ثابت دارایی رو به بالا، مقدار مشخصی از هزینه‌های مستقیم ایجاد می‌کند. یکی از آن‌ها هزینه برآورد ارزش عادلانه دارایی‌های مورد نظر است. در پژوهش وی در شرکت‌های بورسی و غیربورسی تونس نتایجی مبنی بر رابطه معنادار بین کیفیت حسابرسی و تجدید ارزیابی حاصل نشده است. در تحقیق حاضر که در بورس اوراق بهادار تهران انجام گرفت نیز نتیجه مشابهی حاصل شده است.

طبق فرضیه پنجم پیش‌بینی کردیم که بین درصد سهام شناور آزاد و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود دارد. در نتایج این پژوهش ارتباط معناداری بین درصد سهام شناور آزاد از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و تجدید ارزیابی به‌دست نیاوردیم. همچنین در فرضیه ششم پیش‌بینی کردیم که بین کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی و تجدید ارزیابی رابطه معناداری وجود دارد. اما نتایج حاکی از رد این فرضیه و

عدم وجود ارتباط معنادار است. این نتیجه می‌تواند تأییدکننده بررسی انجام شده در پژوهش علی مدد (۱۳۸۱) در مورد قوانین و مقررات و تجارب تجدید ارزیابی در ایران باشد که هدف اصلی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها را در هیچ موردی بهبود کیفیت اطلاعات مالی برای تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر نیافته است. قوانین و مقررات و تجدید ارزیابی‌های انجام شده هدف‌هایی چون افزایش سرمایه و پوشانیدن زیان انباشته را دنبال می‌کرده است.

### پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

زیان انباشته در پژوهش حاضر یکی از متغیرهای کنترلی بود اما نتایج رابطه قوی بین این متغیر و تصمیم به تجدید ارزیابی دارایی‌ها را نشان داد. لذا به محققان آتی پیشنهاد می‌شود رابطه زیان‌های انباشته را نیز از ابعاد دیگر به‌طور جداگانه با تجدید ارزیابی بررسی نمایند تا مشخص شود چه میزان بر تجدید ارزیابی تأثیر دارد. چرا که در نتیجه یافته‌های این پژوهش، شرکت‌ها تمایل دارند تا دارایی‌های ثابت خود را به‌منظور حذف زیان‌های قبلی از ترازنامه خود تجدید ارزیابی کنند. بنابراین انگیزه‌های مدیران برای تجدید ارزیابی در شرکت‌هایی که زیان انباشته دارند، می‌تواند زمینه تحقیقات آتی باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران تأثیر دیگر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تصمیم مدیران بر تجدید ارزیابی مانند سهامداران نهادی، مالکیت شرکتی، مالکیت مدیریتی، اندازه هیئت‌مدیره که در پژوهش اخیر مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند را مورد بررسی قرار دهند. بررسی تأثیر نوع صنعت و میزان دارایی‌های ثابت شرکت‌ها و سایر انگیزه‌ها برای تجدید ارزیابی نیز می‌تواند مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

## منابع و مآخذ

- 1- Abbasi, M. Kalantari, E. (2014). Impact of corporate governance on the chief executive officer (CEO) duality, Evidence from Iran. *Trend (Trend of Economic Research)*, Volume 21, Number 56-66; Page(s) 145-173. (In Persian)
- 2- Abdullah, S.N., Mohamad Yusof and Mohamad nor, (2010), Financial Restatements and Corporate Governance among Malaysian Listed Companies, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 25 and PP. 526-552.
- 3- Aboody, D., Barth, M.E. and Kasznik, R. (1999). Revaluations of fixed assets and future firm performance: evidence from the UK', *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 26, Nos. 1-3, pp.149-178.
- 4- Bahar moghaddam, M. Sadeghi, Z, Safarzade, S. (2014).Relation between corporate governance mechanisms and social responsibility disclosure, *Quarterly financial accounting journal*, 5(20), Page(s) 90-107. (In Persian)
- 5- Brown, P., Izan, H. and Loh, A. (1992) 'Fixed asset revaluations and managerial incentives', *Abacus*, Vol. 28, No. 1, pp.36-57.
- 6- Cheng, E.C.M. and Courtenay, S.M. (2006) 'Board composition, regulatory regime and voluntary disclosure', *The International Journal of Accounting*, Vol. 41, No. 3, pp.262-289.
- 7- COTTER, J. and ZIMMER, I. (1995), Asset Revaluations and Assessment of Borrowing Capacity. *Abacus*, 31: 136-151.
- 8- Daily, C.M. and Dalton, D.R. (1992) 'The relationship between governance structure and corporate performance in entrepreneurial firms', *Journal of Business Venturing*, Vol. 7, No. 5, pp.375-386.
- 9- DeFond, M. L. (1992). The Association Between Changes in Client Firm Agency Costs and Auditor Switching. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*. Vol. 11, No. 1, PP. 16-31.

- 10- Eghbal, M. Yaghoubi, M. (2013). Administrators and university professors' Perspectives on Assets Revaluation, *Accounting knowledge and research*, 32, PP 6-32. *(In Persian)*
- 11- Emmanuel Iatridis, G., & Kilirgiotis, G. (2012). Incentives for fixed asset revaluations: the UK evidence. *Journal of applied accounting research*, 13(1), 5-20.
- 12- Fama, E.F. (1980). Agency problems and the theory of the firm. *Journal of Political Economy*, Vol. 88, No. 2, PP. 288-307.
- 13- Fama, E. and Jensen, M.C. (1983) 'Separation of ownership and control', *Journal of Law and Economics*, Vol. 26, No. 2, pp.301–325.
- 14- Gaeremynck, A., & Veugelers, R. (1999). The revaluation of assets as a signaling device: a theoretical and an empirical analysis. *Accounting and Business Research*, 29(2), 123-138.
- 15- Hasas yeganeh. Y, Ahmadi, M. (2013). Relationship between Corporate Governance Mechanisms and Conservatism. *Empirical Studies in Financial Accounting*, Volume 10(38), Page(s) 29-52. *(In Persian)*
- 16- Hasas yeganeh. Y, Raeesi, z. Hosseini, S M. (2009). The relationship between corporate governance and performance of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Management Science*, Vol.4, No. 13, pp. 75-100. *(In Persian)*
- 17- Hassas Yeganeh, Y. Kheirollahi, M. (2008). Corporate governance and transparency, *Accountant*, 203, PP 74-79. *(In Persian)*
- 18- Harrison, P.D. and Harrell, A. (1993) 'Impact of adverse selection' on managers' project evaluation decisions', *Academy of Management Journal*, Vol. 36, No. 3, pp.635–643.
- 19- Hejazi, R. Yousefi, A. (2018). Nonlinear relationship between CEO's power and capital structure, *New research in accounting and auditing*, 2(1), 9-26. *(In Persian)*

- 20- Jaggi, B. and Tsui, J. (2001), Management Motivation and Market Assessment: Revaluations of Fixed Assets. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 12: 160-187.
- 21- Jensen, M.C. (1993). The modern industrial revolution exit and the failure of internal control systems. *Journal of Finance*, Vol. 4, No. 3, PP. 831-80.
- 22- Khoshtinat, M. Omidynejad, O. Bahramlofard, A. (2017) Impact of ownership structure on bank performance. *Journal of new research in accounting and auditing*. 1(3). PP9-38.
- 23- Lim, S., Matolcsy, Z. and Chow, D. (2007) 'The association between board composition and different types of voluntary disclosure', *European Accounting Review*, Vol. 16, No. 3, pp.555-583.
- 24- Lin, Y.C. and Peasnell, K.V. (2000a) 'Asset revaluation and current cost accounting: UK corporate disclosure decisions in 1983', *British Accounting Review*, Vol. 32, No. 2, pp.161-187.
- 25- Lopes, A. B., & Walker, M. (2012). Asset revaluations, future firm performance and firm-level corporate governance arrangements: New evidence from Brazil. *The British Accounting Review*, 44(2), 53-67.
- 26- Mansouri, F. Saeidi Gorbani, M. Asadi dobani, N. (2018). The effect of revaluation of assets on audit fees. *Jouranl of Accounting Knowledge*, Volume 8(4), Number 31, Page(s) 141-159.
- 27- Marfou, M. Momenzadeh, M.M. Momenzadeh, M.H. (2013) Revaluation of fixed assets; what, why, how. *11<sup>th</sup> Iranian Accounting National Conference. (In Persian)*
- 28- Missonier-Piera, F. (2007). Motives for fixed-asset revaluation: An empirical analysis with Swiss data. *The International Journal of Accounting*, 42(2), 186-205.
- 29- Moosavi, S, R. Jabbary, H, Taleb Beydokhti, A. (2015). Corporate Governance and Financial Restatement. *The Financial Accounting and Auditing Reaserches*, Volume 7, Number 25; Page(s) 97 to 119. *(In Persian)*

- 30- Omrani, H. Hajian, N. Jafari, K. (2018). The Value Relevance of fixed assets revaluation. *Kharazmi University*, Master thesis. *(In Persian)*
- 31- Pakmaram, A. Lotfi, B. (2017). The Impact of Corporate Governance on Financial Performance and Risk of Listed Insurance Companies in Tehran Stock Exchange. *Sanaat-e-Bimeh*, Volume 31, Number 4 (124); Page(s) 25 To 48. *(In Persian)*
- 32- Rahimah, M.Y., Malcolm, S. and Zubaidah, I. (2010) 'Accounting conservatism and ownership concentration: evidence from Malaysia', *Journal of Business and Policy Research*, Vol. 5, No. 2, pp.1-15.
- 33- Rahmani, A., Hamidi, E. (2007). Theoretical and practical foundation of revaluation of fixed assets. *Monthly Iranian Institute of Certified Accountants*, 176, 56-63. *(In Persian)*
- 34- Seng, D., & Su, J. (2009). Managerial incentives behind fixed asset revaluations: evidence from New Zealand firms.
- 35- Setayesh, MH, A. Ghorbani, M, Golmohammdi. (2009). Evaluation of Corporate Governance Effect On the Smoothing of the Accepted Enterprises in Tehran Stock Exchange. MS Thesis, Shiraz University.
- 36- Surgawi, A, L & Solikhah, B. (2018). Analysis of Financial and Non Financial Factors to Revaluation of Fixed Asset. *KnE Social Sciences*, International Conference on Economics, Business and Economic Education 2018 (ICE-BEES 2018), Pages 1052-1066.
- 37- Vaez, S, A. Karrahimogaddam, S. Elhaeisahar, m. (2011). Evaluate the company's performance and corporate governance in the ownership structure of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Finance Accounting*, 2 (7), 135-114. *(In Persian)*
- 38- Wali, S. (2015). Mechanisms of corporate governance and fixed asset revaluation. *International Journal of Accounting and Finance*, 5(1), 82-97.
- 39- Xia, D, and S. Zhu (2009). Corporate Governance and Accounting Conservatism in China, *China Journal of Accounting Reaserch* 2 (2): 81-108.